

عناصر اعتقادی از نگاه قرآن و عهد جدید

عباس اشرفی*

استادیار دانشگاه علامه طباطبایی

سهیلا رضایی**

کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۰۷/۰۹، تاریخ تصویب: ۱۳۹۰/۰۷/۲۷)

چکیده

مراد از کارکرد دین، مطلق خدمات و آثار دین در جامعه می‌باشد که این مقاله با هدف استخراج نگاه دینی به مقوله‌ی کارکرد اعتقادی دین از منظر قرآن و عهد جدید نگاشته شده و در آن نوع نگرش این ادیان نسبت به کارکرد اعتقادی دین به شیوه‌ی تطبیقی بررسی شده است. عهد جدید و قرآن در این نکته اشتراک دارند که تنها خدای واحد خالق، معبود و قابل پرستش است، گرچه مسیحیان خلاف تصریح کتاب مقدس اعتقاد به «تثلیث» دارند. اعتقاد به معاد و توحید، مرگ‌اندیشی و توصیف بهشت و جهنم از ویژگی‌های مشترک دو کتاب است، هرچند در تفسیر و تعریف عالم پس از مرگ و چگونگی شکل‌گیری قیامت اختلاف نظر دارند. عهد جدید، پیامبران را دارای کارکرد دعوتی دینی و صرفاً با هدف اخروی معرفی می‌کند، ولی قرآن پیامبران را دارای دو هدف اخروی و دنیوی معرفی می‌کند؛ یعنی پیامبران برای دعوت به توحید و راهبری به سعادت اخروی و برقراری عدالت، یعنی حیات سعادت‌مند و شرافتمندانه‌ی دنیوی مبعوث شده‌اند.

واژگان کلیدی: بررسی تطبیقی، کارکرد اعتقادی دین، قرآن، عهد جدید.

*. E-mail: dr_a_ashrafi@yahoo.com

** . E-mail: soh_rezaee@yahoo.com

مقدمه

مقصود از کارکرد دین، مطلق خدمات و آثار دین در جامعه می‌باشد و از آنجایی که اهمیت و ارزش هر علمی بستگی به موضوع آن دارد، علم اعتقادات در میان تمام علوم، شریف‌ترین و باارزش‌ترین موضوع است، لذا این مقاله با سؤال «کارکرد اعتقادی دین در قرآن و عهد جدید چه می‌باشد؟» و با روش تطبیقی به آن می‌پردازد. به این ترتیب که ابتدا آیات مربوط به قرآن کریم و عهد جدید استخراج و موضوعات اصلی و فرعی آنها مشخص گردیده است. سپس با مراجعه به کتب تفسیری و سایر کتب، با روش تحقیق متنی، آیات مربوطه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و دیدگاه هر یک از دو کتاب بیان گردید، آنگاه مقایسه‌ی دو دیدگاه صورت پذیرفته است.

۱. کارکرد اعتقادی دین در قرآن

با جمع‌بندی آیات قرآن درباره‌ی کارکرد اعتقادی، مهم‌ترین کارکردهای اعتقادی به قرار زیر است:

۱-۱) معرفت‌زایی

نخستین نقش و کارکرد دین، تأیید و تأکید بر مسأله‌ی شناخت است. خداوند یکی از وظایف پیامبران را تعلیم حکمت و دانش می‌داند و می‌فرماید: «وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» (بقره / ۱۲۹ و ۱۵۱؛ آل عمران / ۱۶۴ و جمعه / ۲).

قرآن کریم در معرفتی منابع و ابزار شناخت نگاه عام و فراگیر دارد و آن را مانند تجربه‌گرایان به حسّ و مانند عقلیون به تعقل و مانند عارفان به شهود منحصر نکرده است، بلکه از اعتبار مجموع آنها به تناسب افراد دفاع کرده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۴: ۱).

۲-۱) توحیدگرایی

آیات متعدّد با فراخوانی انسان به تفکر در مخلوقات (جائیه / ۳، یونس / ۶، ۱۰۰ و ابراهیم / ۱۰)، نظم حاکم بر جهان (آل عمران / ۱۹۰)، حدوث جهان (طور / ۳۵، ۳۶ و ابراهیم / ۱۰)، فقر ماهوی جهان (فاطر / ۱۵، محمّد / ۳۸ و عنکبوت / ۶) و فطرت (عنکبوت / ۶۵، یونس / ۲۲ و روم / ۳۳)، انسان را به براهین خداشناسی رهنمون می‌سازد.

قرآن در تعالیم خود اصرار دارد که توحید را به تمام معنی به مردم یاد دهد و جلوی هرگونه شرک و یا خرافه را در فکر و عقیده‌ی مردم بگیرد و همه را از نظر عمل نیز یکتاپرست کند؛ یعنی عقیده پیدا کنیم که تنها خالق و صاحب‌اختیار جهان، «الله» است تا دیگر در برابر غیر خدا سجده نکنیم و تنها او را پرستش و عبادت کنیم و از او یاری و کمک بجوئیم و دیگران را هرچه باشند، شایسته‌ی پرستش ندانیم و در برابر آنان تسلیم نگردیم (باهر، ۱۳۶۱: ۳۲-۳۱).

۳-۱) معادشناسی

در آیات قرآن، کلمه‌ی ایمان به خدا بارها همراه با ایمان به قیامت آمده است. هم‌نشینی این دو کلمه در بردارنده‌ی این پیام برای مسلمانان است که باید به آخرت همانند توحید، ایمان و اعتقاد داشت: «مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمَلَ صَالِحًا...» (بقره / ۶۲). آیات قرآن، از امکان (ق / ۳۶۲؛ اسراء / ۵۱، روم / ۲۷، قیامت / ۳) و ضرورت وجود رستاخیز (ص / ۲۷، مؤمنون / ۵، جائیه / ۲۵) خبر می‌دهد و به تصویر ماهیت و جزئیات آن می‌پردازد که عقل انسانی از معرفت ابتدایی آن ناتوان است. آیات مربوط به معاد در پنج دسته‌ی کلی جای می‌گیرند که عبارتند از مرگ‌اندیشی، برزخ‌شناسی، حسابرسی و ... که در ذیل به‌صورت خلاصه به هریک اشاره می‌شود:

۱-۳-۱) مرگ‌اندیشی

انسان با مرگ نابود نمی‌شود، بلکه روح از تن بیرون می‌رود و علاقه و رابطه‌ی خود را از تن قطع می‌کند. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «شما نابود نمی‌گردید، بلکه از خانه‌ای به خانه‌ی دیگر منتقل می‌شوید» (طباطبایی، ۱۳۵۴: ۱۳۳)؛ «كُلُّ نَفْسٍ ذَاتِقَةُ الْمَوْتِ» (انبیاء / ۳۵، آل عمران / ۱۸۵ و عنکبوت / ۵۷).

در مسأله‌ی قبض روح در قرآن کریم آیات متعددی ذکر گردیده است که گاه آن را به خود: «اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (زمر / ۴۲). گاه به ملک‌الموت: «قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَّلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ» (سجده / ۱۱) و در جایی نیز به ملائکه نسبت می‌دهد: «الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُم الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ فَأَلْفَوْا السَّلَامَ مَا كُنَّا نَعْمَلُ مِنْ سُوءٍ بَلَىٰ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (نحل / ۲۸).

۲-۳-۱) برزخ‌شناسی

در قرآن مجید در چند آیه از واژه‌ی برزخ نام برده شده است، مانند: «بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ» (رحمن / ۲۰). از واژه‌ی برزخ در معنای مکانی مابین جهان دنیوی و عالم اخروی مستفاد می‌گردد (مؤمنون / ۱۰۰). اما در خصوص ثواب و عقاب در عالم برزخ، آیات و روایات متعددی وجود دارد، مانند: «قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ» (پس از آن مردم انطاکیه او را لگدکوب کردند تا آنکه در زیر پاهایشان هلاک و تباه شد، آنگاه از روی بشارت و مژده از جانب خدای تعالی به او) گفته شد: به بهشت (که برای مؤمنین و گرویدگان آماده گشته است) درآی. آن مرد (پس از شنیدن مژده به دخول و درآمدن به بهشت) گفت: ای کاش قوم و گروه من

می دانستند. آنچه (ایمان آوردن و گرویدنم) را که پروردگام به سبب آن مرا آمرزیده و مرا از بزرگواران (اهل بهشت) گردانید» (یس / ۲۷-۲۶).

امام صادق (ع) می فرماید: «البرزخُ القبرُ و هو العقابُ و العقابُ بینَ الدُّنیا و الآخرةِ: برزخ همان قبر است و آن جایگاه پاداش و کیفر میان دنیا و آخرت می باشد (عروسی حویزی، ۱۳۷۰، ج ۳: ۵۵۳).

۳-۳-۱) رستاخیزشناسی

خداوند در جواب افرادی که می گویند استخوان های پوسیده چطور زنده خواهند شد، می فرماید: «وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَ نَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَ هِيَ رَمِيمٌ. قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ هُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ» (یس / ۷۸-۷۹). در جای دیگر متذکر می شود: «بَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَىٰ أَنْ نَسُوًّا بَنَانَهُ» (قیامت / ۴). در سوره ی حج آیه ی ۲، درباره ی هراس و وحشت این روز چنین بیان شده است: «يَوْمَ تَرَوُنَّهَا تُذْهِلُ كُلُّ مَرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَ تَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمَلٍ حَمْلَهَا وَ تَرَى النَّاسَ سُكَارَىٰ وَ مَا هُمْ بِسُكَارَىٰ وَ لَكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ» (حج / ۲). برپاشدن قیامت براساس آنچه در آیات و روایات ذکر گردیده، با علایم و نشانه های خاصی همراه است که مهم ترین آنها نفخ در صور می باشد. در قرآن مجید از دو نفخ در صور نام برده شده است. یکی نفخ مرگ که با دمیدن آن همه ی انسان ها می میرند و پایان جهان خواهد بود و دیگری نفحه ی حیات است که با شنیدن آن همه ی مردگان زنده شده و جهان دیگر آغاز خواهد شد: «وَ نَفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نَفِخَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ» (زمر / ۶۸).

۴-۳-۱) حساب‌رسی و رسیدگی به اعمال

از جمله لحظات حسّاس روز قیامت در هنگام رسیدگی به حساب، لحظه‌ای است که پرونده‌ی اعمال افراد به آنها ارائه می‌شود: «وَوُضِعَ الْكِتَابُ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَا لِهَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا» (کهف / ۴۹).

نکته‌ی مهمی که در آیات و روایات بسیار تأکید شده و به دادن پرونده‌ی اعمال به دست انسان‌ها مربوط می‌شود، آن است که در روز قیامت مردم به دو دسته تقسیم می‌شوند: «فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَيَقُولُ هَؤُلَاءِ اقْرَؤُوا كِتَابِيهِ وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِيهِ» (حاقه / ۲۵).

۵-۳-۱) بهشت‌شناسی و جهنم‌شناسی

در آیین اسلام لذت‌های بهشتی به دو بخش جسمانی و روحانی تقسیم می‌شوند: «لَا يُصَدَّعُونَ عَنْهَا وَلَا يُنْزَفُونَ وَفَاكِهَةٍ مِمَّا يَتَخَيَّرُونَ وَلَحْمِ طَيْرٍ مِمَّا يَشْتَهُونَ وَحُورٌ عِينٌ كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ». از آشامیدن آن شراب درد سر نکشند و بیهوش نشوند (چنانکه در دنیا از آشامیدن آن سر درد کشند و از خود بیخود گردند) و به گردشان می‌گردند با میوه‌ها از آنچه برگزینند و با گوشت پرنده از آنچه خواهش و آرزو کنند و به گردشان می‌گردند، زنان گشاده‌چشم (که آن زنان) مانند مروارید پوشیده شده (در صدف‌اند که دست دیگران به آنان نرسیده) (واقعه / ۲۲-۱۹). آیاتی که در این زمینه بیان شده است و بیانگر بهشت‌شناسی و جهنم‌شناسی می‌باشد، عبارتند از: محمد / ۱۵، عبس / ۳۸، قیامت / ۲۴، ۲۲ و انعام / ۱۲۷.

در قرآن اوصاف بهشت در آیات متعددی آمده است؛ مانند: «لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا إِلَّا سَلَامًا وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا» در آنجا سخن بیهوده‌ای نمی‌شنوند، جز درود و روزیشان صبح و شام در آنجا [آماده] است» (مریم / ۶۲).

۴-۱) پیامبرشناسی

اعتقاد به نبوت، از نوعی بینش درباره‌ی جهان و انسان ناشی می‌شود؛ یعنی اصل هدایت عامه در سراسر هستی. اصل هدایت عامه لازمه‌ی جهان‌بینی توحیدی اسلامی است. از این روی، اصل نبوت لازمه‌ی این جهان‌بینی است (مطهری، ۱۳۷۶: ۷).

در قرآن کریم هدف اصلی از بعثت دو امر است؛ یعنی همه‌ی تعلیمات پیامبران مقدمه‌ای است برای این دو امر. آن دو امر عبارت است از: شناختن خدا و نزدیک شدن به او و دیگری برقراری عدل و قسط در جامعه‌ی بشری. قرآن کریم از طرفی می‌گوید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَ سِرَاجًا مُنِيرًا؛ ای پیامبر! ما تو را [به سمت] گواه و بشارتگر و هشداردهنده فرستادیم و دعوت‌کننده به سوی خدا به فرمان او و چراغی تابناک» (احزاب / ۴۵-۴۶). در میان همه‌ی جنبه‌هایی که در این آیه آمده است، پیداست که «دعوت به سوی خدا» تنها چیزی است که می‌تواند هدف اصلی به‌شمار آید.

از طرف دیگر، درباره‌ی همه‌ی پیغمبران می‌گوید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ»؛ به راستی [ما] پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند و آهن را که در آن برای مردم خطری سخت و سودهایی است، پدید آوردیم، تا خدا معلوم بدارد چه کسی در نهان، او و پیامبرانش را یاری می‌کند. آری! خداوند نیرومند

شکست‌ناپذیر است» (حدید / ۲۵). این آیه صریحاً پاداشتن عدل و قسط را هدف رسالت و بعثت پیامبران معرفی کرده است.

دعوت به خدا و شناختن او و نزدیک شدن به او، یعنی دعوت به توحید نظری و توحید عملی فردی، اما اقامه‌ی عدل و قسط در جامعه، یعنی برقرار ساختن توحید عملی اجتماعی (مطهری، ۱۳۷۶: ۳۳).

قرآن در ذیل مباحث پیامبرشناسی به مباحث‌های چون وحی‌شناسی، معجزه‌شناسی و معرفی برخی از پیامبران مانند مسیح که در مورد آنان اختلاف و انحراف صورت گرفته، می‌پردازد. قرآن وحی را به‌عنوان یک حقیقت می‌پذیرد: «وَإِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ. بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ وَإِنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْأَوَّلِينَ» (شعراء / ۱۹۲-۱۹۶). در آیه‌ی دیگری می‌فرماید: «قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَى قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ» (بقره / ۹۷). در این دو آیه به یکی از ویژگی‌های مهم وحی، یعنی نزول مستقیم بر قلب، اشاره شده و می‌گوید جبرئیل قرآن را مستقیماً بر قلب تو (پیامبر) نازل کرد. بدیهی است که این‌گونه تعلیم با تعالیم متعارف انسان‌ها تفاوت دارد؛ زیرا علوم حصولی انسان‌ها از طریق حواس پنجگانه حاصل می‌شود. ابتدا به‌وسیله‌ی حواس با جهان خارج ارتباط برقرار می‌سازد، محصول آنها وارد حس مشترک می‌شود، صورت‌ها در قوه‌ی خیال و معانی جزئی‌ه به‌وسیله‌ی قوه‌ی واهمه درک می‌شود، صورت‌ها در قوه‌ی حافظه بایگانی می‌گردد. آنگاه قوه‌ی عاقله با استدلال و ترتیب قیاس به علوم حصولی دست می‌یابد و در نهایت، وارد قلب و نفس می‌شود.

اما قرآن می‌فرماید وحی به‌گونه‌ای دیگر است؛ زیرا حقائق در ابتدا و به‌طور مستقیم بر قلب و نفس پیامبر نازل شده از طریق قلب بر سایر قوا نازل می‌گردد (امینی، ۱۳۷۷: ۹۸). وقتی وحی بر حضرت محمد (ص) نازل می‌شد، ابتدا بر قلب مبارک آن حضرت فرود

می آمد؛ زیرا شدیداً علاقه مند و در جهان غیب مستغرق بود. آنگاه از قلب به فهم و گوش آن حضرت انتقال می یافت و این تنزلی است از بالا به پایین و از خصائص خواص می باشد، برخلاف عوام که ابتدا با گوش می شنوند و از این طریق وارد فهم شان می شود و در نهایت وارد قلب می گردد. اهل سلوک نیز از همین طریق، یعنی ترقی از پایین به بالا کسب دانش می کنند و چه قدر فرق است بین این دو (حقی، ۱۹۶۵ ق، ج ۶: ۳۰۶).

در روایات نیز برگشت خورشید (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۷: ۳۵۹)، تسبیح سنگریزه ها (همان، ج ۱۷: ۳۷۹)، دونیم کردن ها (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹: ۱۸۶، سیوطی، ۱۴۰۴ ق، ج ۷: ۶۷۲-۶۷۰)، تسبیح انار و انگور بهشتی (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۷: ۳۶۰)، حرکت درخت (نهج البلاغه / خطبه ی ۱۹۲، بارش باران (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۷: ۳۵۴)، زنده کردن بزغاله (همان، ج ۷: ۳۸۹)، شفای چشم (قمی، ۱۳۸۵: ۴۸)، به سخن آمدن گوسفند (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۷: ۳۹۵)، شهادت اشیاء (صدوق، بی تا: باب ۴۴؛ ج ۱) از معجزات رسول اکرم (ص) ذکر شده است، ولی معجزه ی ختمیه ی پیامبر اکرم (ص)، خود کتاب اوست. کتاب او در آن واحد هم کتاب است و هم برهان رسالت او، به همین دلیل برخلاف سایر معجزات، جاویدان و باقی است نه موقت و زودگذر.

قرآن کریم حضرت عیسی (ع) را یک بشر می داند که از طریق اعجاز و بدون پدر از مریم (س) به وجود آمده و به عنوان پیامبر برای ارشاد مردم مبعوث شده است و مانند سایر پیامبران با خداوند جهان در ارتباط بوده، حقایق دریافت می کرد و به مردم ابلاغ می نمود؛ نه خدا بود، نه پسر خدا، بلکه بنده ی خدا بود و اگر در انجیل گاهی به عنوان پسر معرفی شده، باید به صورت تشریفات توجیه شود و اگر کلمه به او اطلاق شده، بدین روی است که بدون وجود پدر و به وسیله ی کلمه ی (کُن) تکوینی به وجود آمده است. قرآن عقیده ی تثلیث را شرک و کفر می داند و خود عیسی (ع) از آن تبری می جسته است: «لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا

إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَقَالَ الْمَسِيحُ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَلَاثُ ثَلَاثَةٍ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا إِلَهٌ وَاحِدٌ وَإِنْ لَمْ يَنْتَهُوا عَمَّا يَقُولُونَ لَيَمَسَّنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (مائده / ۷۳-۷۲).

قرآن کریم عیسی (ع) را بنده‌ی خداوند دانسته و این اوصاف را برای او قائل است: پیامبر خدا (مریم / ۳۰)، رسول او به سوی بنی اسرائیل (آل عمران / ۴۹)، یکی از پیامبران اولوالعزم و صاحب شریعت و دارنده‌ی کتابی به نام انجیل (احزاب / ۷ و شوری / ۱۳)، مسیح و کلمة‌الله (آل عمران / ۴۵ و نساء / ۱۷۱)، دارای مقام امامت (احزاب / ۷)، از گواهان اعمال (نساء / ۱۵۱، مائده / ۱۱۷)، بشارت‌دهنده به آمدن پیامبر اسلام (ص) (صف / ۱۶)، وجیه و آبرومند در دنیا و آخرت و از مقربین (آل عمران / ۴۵)، از اصطفاشدگان (آل عمران / ۳۳)، از صالحان (انعام / ۸۵-۸۷)، زکی و مهذب، آیتی برای مردم، رحمتی از خداوند، احسان‌گر به مادرش (مریم / ۱۴)، از زمهره‌ی کسانی بود که خدای تعالی به ایشان سلام کرد (مریم / ۱۵) و از کسانی که خداوند کتاب و حکمت بدو آموخت (آل عمران / ۴۸). اینها بیست و دو خصیصه از مقامات ولایت بود و تمامی اوصافی که خدای تعالی این پیامبر بزرگوارش را بدان ستود و رفعت بخشیده است. این صفات دو قسم است: برخی اکتسابی؛ مانند رسیدن به مقام بندگی و بعضی موهبتی و اختصاصی است.

۲. کارکرد اعتقادی دین در عهد جدید

با بررسی آیات عهد جدید و جمع‌بندی آن، مهم‌ترین کارکردهای اعتقادی دین به قرار زیر است:

۲-۱) توحیدگرایی

عهد جدید شناختی خاص درباره‌ی خداوند یکتا را دربردارد. یوحنا رسول در دو مورد تصریح می‌کند که «خدا را هرگز کسی ندیده است» (یوحنا، ۱: ۱۸، اول یوحنا، ۱۲: ۴). از سویی دیگر، بیان می‌دارد که مسیح کلمه که حاکم بر آفرینش جهان بود، در جسم تجلی یافت. کلمه جسم گردید و میان ما ساکن شد، پُر از فیض و راستی، و جلال او را دیدیم، جلالی شایسته؛ پسر یگانه پدر (یوحنا، ۱: ۱۴).

در انجیل مرقس که قدیمی‌ترین انجیل است، عیسی «فرزند انسان» موجودی مافوق بشر است که خدا او را به فرزندی خود برگزیده است. در واقع در نوشته‌های مرقس، عیسی از همان ابتدا به وسیله‌ی کسانی که از او آگاهی عمیق‌تری دارند، به عنوان پسر خدا شناخته می‌گردد (انجیل مرقس چه می‌گوید؟، بی تا: ۱۷۳)، ولی در آن کتاب بخشی از تجسم خدا در پیکر عیسی و یا «ازلی بودن» عیسی (ع) نیست.

در انجیل‌های متی و لوقا کم‌کم زمینه برای تجسم ربوبیت در پیکر عیسی (ع) آماده می‌شود و سخن از حوادث فوق طبیعی هنگام کودکی عیسی (ع) و نزول او از آسمان است، اما در انجیل یوحنا از طبیعت الوهی عیسی (ع) بحث می‌کند. در ابتدا «کلمه» بود و «کلمه» نزد «خدا» بود و «کلمه» جسم گردید و در میان ما ساکن شد ... و از خدا تولد یافت. البته در آمیختگی فلسفه‌ی یونان و روم با تصوّرات کلیسایی از یک طرف و آمیختگی بت‌پرستی رومیان با مسیحیت هم از طرف دیگر باعث شد که عقیده‌ی «تثلیث» (سه‌گانه پرستی) به صورت‌های گوناگون در میان مسیحیان تفسیر شود، با توجه به اینکه کتاب مقدس هیچ اشاره‌ی صریحی به تثلیث ندارد.

نص انجیل به صراحت از عیسی نقل می‌کند که به حواریون خود گفت: «پس، رفته همه‌ی امت‌ها را شاگرد سازید و ایشان را به اسم پدر و پسر و روح القدس تعمید دهید» (متی، ۲۸: ۱۹ و مرقس، ۱۶: ۱۵).

داستان تعمیدیافتن عیسی، آن‌گونه که در انجیل‌های مَتّی و لوقا آمده است، دخالت پدر و روح‌القدس را بیان می‌کند: «اما عیسی چون تعمید یافت، فوراً از آب برآمد که در ساعت، آسمان بر وی گشاده شد و روح خدا را دید که مثل کبوتری نزول کرده، بر وی می‌آید. آنگاه خطابی از آسمان در رسید که: این است پسر حبیب من که از او خوشنودم» (مَتّی، ۱۶:۳، مرقس، ۱: ۱۱-۹). عیسی خود می‌گوید: «و من از پدر سؤال می‌کنم و تسلّی‌دهنده‌ی دیگر به شما عطا خواهد کرد تا همیشه با شما بماند، یعنی روح راستی...» (یوحنا، ۱۶:۱۴). پدر عطا می‌کند، پسر در خواست می‌کند و روح، فرستاده یا عطا می‌گردد و بالاخره پولس رسول نص سه شخص (اقتوم) را با هم ذکر می‌کند؛ برای مثال، عبارت دعاگونه‌ای را که در پایان رساله‌ی دوم پولس به قرنتیان آمده، چنین است: «فیض عیسی مسیح خداوند و محبّت خدا و شرکت روح‌القدس با جمیع شما باد» (ر. ک: رومیان، ۱۶:۱۵ و غلاطیان، ۴: ۴-۶).

۲-۲) معادباوری

بررسی *اناجیل چهارگانه*، یک اصل مهم را به ما می‌نمایاند و آن اینکه نه تنها عیسی مسیح وجود رستاخیز را زبانی تبلیغ کرده، بلکه با زنده‌کردن مردگان، نمونه‌ای از رستاخیز انسان را به صورت عملی نشان داده است. در فرازهایی از *اناجیل* می‌خوانیم: «پس هرگاه دستت تو را بلغزاند، آن را ببر؛ زیرا تو را بهتر است که شل داخل حیات شوی، از اینکه با دو دست وارد جهنم گردی، در آتشی که خاموشی نپذیرد» (*انجیل مرقس*، ۹: ۵۳-۴۳)، «اراده‌ی پدری که مرا فرستاد، این است که از آنچه به من عطا کرد، چیزی تلف نکنم، بلکه در روز بازپسین آن را برخیزانم، و اراده‌ی فرستنده‌ی من این است که هرکه پسر را دید و بدو ایمان آورد، حیات جاودانی داشته باشد و من در روز بازپسین او را خواهم برخیزانید» (یوحنا، ۶: ۳۹ و ۴۰).

آیات عهد جدید در خصوص معاد در چهار حوزه‌ی مرگ‌اندیشی، رستاخیزشناسی، حساب‌رسی و بهشت و جهنم‌شناسی بیشتر ظهور دارد. در ذیل به‌طور خلاصه به هریک از مباحث مطروحه پرداخته می‌شود.

۱-۲-۲) مرگ‌اندیشی

مرگ به‌صورت جسمانی و روحانی می‌باشد. از قاتلان جسم که قادر بر کشتن روح نیستند، بیم مکنید، بلکه از او بترسید که قادر است بر هلاک‌کردن روح و جسم در جهنم» (انجیل متی، ۱۰: ۲۸). لیکن ای دوستان من! به شما می‌گویم از قاتلان جسم که قدرت ندارند بیشتر از این بکنند، ترسان مباشید، بلکه به شما نشان می‌دهم که از که باید ترسید، از او بترسید که بعد از کشتن، قدرت دارد که به جهنم بیفکند. بلی! به شما می‌گویم از او بترسید» (لوقا، ۱۲: ۵-۴).

مسیحیان علّت مرگ را خطا و گناه می‌دانند، لذا همچنانکه به وساطت یک انسان، گناه وارد جهان شد و به‌واسطه‌ی گناه، مرگ آمد و به این‌گونه مرگ دامن‌گیر بر همه‌ی مردم شد، از آنجا که همه گناه کردند (رساله‌ی رومیان، ۵: ۱۲) و معتقدند که همه‌ی انسان‌ها طعم مرگ را خواهند چشید، اما زمان آن بر انسان‌ها پوشیده است و فقط خداوند از زمان وقوع آن اطلاع دارد. مرگ به‌طور تغییرناپذیری سرنوشت مردگان را تثبیت می‌کند. انسان در زندگی کنونی، یعنی در زمین لحظه، سرنوشت جاودانه‌ی خود را اجرا می‌نماید. بعداً او نخواهد توانست سرنوشت خود را تغییر دهد (انجیل لوقا چه می‌گوید؟ ۱۳۶۴: ۱۵۲).

در عهد جدید درباره‌ی خروج روح از بدن و چگونگی آن مطالب زیادی نیامده است. در انجیل لوقا آمده است: «اگر انسان صالح و نیکوکار باشد، ملائکه روح او را به آسمان

می‌برند و اگر فاسد باشد، روح او به جهنم رفته و در آنجا در عذاب می‌باشد» (لوقا، ۱۶: ۲۲-۲۳).

۲-۲-۲) برزخ‌شناسی

به اعتقاد مسیحیان، هرچند در عهد جدید صراحت به برزخ نشده، ولی روان‌کسانی که کاملاً پاک هستند، پس از مرگ به بهشت می‌روند و به لقای خدا نائل می‌شوند، اما آنان که کاملاً پاک نیستند و به گناهان آلوده هستند، ولی غسل تعمید گرفته‌اند، به جهنم داخل نمی‌شوند، بلکه در محلی نزدیک به جهنم توقف خواهند کرد. این مکان را پیشخوان جهنم (برزخ) نامیده‌اند (آشتیانی، ۱۳۷۸: ۳۵۴). در آیین کاتولیک روزی به نام روز ارواح وجود دارد که با به صدا درآمدن زنگ‌های کلیسا، ارواح به دعای بستگان‌شان از این پیشخوان آزاد می‌شوند (همان: ۳۵۴).

۲-۲-۳) رستاخیزشناسی

مطابق نظر عهد جدید رستاخیز مردگان با رجعت مسیح و پایان جهان همراه خواهد بود. هرچند برای ظهور مسیح روز و ساعت معین یاد نشده و پیام مسیح ناگهانی دانسته شده است، اما نشانه‌هایی در عهد جدید برای ظهور او آمده است که نشانه‌های عمده‌ی آن را چنین می‌توان برشمرد: اعلام مژده‌ی پادشاهی الهی در سراسر عالم، اوج ذلت قوم یهود، وقوع تحولات عظیم کیهانی، ظهور مسیح دروغین، شعله‌ور شدن آتش جنگ و بروز قطعی. بنابراین گرچه مطابق اعتقاد مسیحیان رستاخیز امری است که دفعته‌اً واقع خواهد شد و کسی جز خدا از زمان وقوع آن اطلاعی ندارد، اما در عهد جدید علائمی برای وقوع آن ذکر شده است؛ از جمله‌ی علائم که در بالا به آن اشاره شد، وقوع تحولات عظیم کیهان می‌باشد: «در آفتاب و ماه و ستارگان علاماتی ظاهر خواهد شد و در روی زمین ملت‌ها از عرش دریاها و خروش امواج آن پریشان و نگران خواهند شد، آدمیان از تصور آنچه بر

سر دنیا خواهد آمد، از هوش خواهند رفت و ثبات آسمان نیز در هم خواهد ریخت» (لوقا، ۲۱: ۲۶-۲۵).

در انجیل متی درباره‌ی هراس و وحشت این روز آمده است: «وای به حال زنانی که در آن زمان آبستن بوده یا طفل شیرخوار داشته باشند» (متی، ۲۴: ۱۹). انجیل به‌طور صریح به رستاخیز جسمانی اشاره می‌کند؛ چنانکه «مسیح نخستین فردی است که پس از مرگ زنده شد. از عیسی مسیح که شاهد امین و نخست زاده از مردگان و رئیس پادشاهان جهان است (مکاشفهی یوحنا، ۱: ۵).

زنده‌کردن مردگان در عهد جدید در برخی موارد به خداوند نسبت داده شده و گاهی به پسر (ابن) نسبت داده می‌شود؛ زیرا «همچنانکه پدر مردگان را برمی‌خیزاند و زنده می‌کند، همچنین پسر نیز هر که را می‌خواهد زنده می‌کند» (انجیل یوحنا، ۵: ۲۱) و گاه به‌طور غیر مستقیم به روح‌القدس منسوب می‌شود: «اگر روح او که عیسی را از مردگان برخیزانید در شما ساکن باشد، او که مسیح را از مردگان برخیزانید، بدن‌های فانی شما را نیز زنده خواهد ساخت، به روح خود که در شما ساکن است» (رساله‌ی رومیان، ۸: ۱۱).

از مقدمات رستاخیز در نزد مسیحیان، نفخ صور است. دوبار در صور دمیده می‌شود: یکی به‌هنگام رجعت مسیح و دیگری به‌هنگام رستاخیز که با دمیده‌شدن در آن مردگان زنده خواهند شد: «صدای بلند شیپور به‌صدا درخواهد آمد و او فرشتگان خود را می‌فرستد تا برگزیدگان خدا را از چهارگوشه‌ی جهان جمع کنند» (انجیل متی، ۲۴: ۳۱).

۲-۲-۴) روز حساب و رسیدگی به اعمال

عهد جدید ضمن اعلان اینکه خداوند داور همگان است، می‌گوید که او این کار را به وسیله‌ی عیسی مسیح انجام می‌دهد (رساله‌ی عبرانیان، ۲۳:۱۲، یوحنا، ۵:۲۲ و ۲۷؛ اعمال رسولان، ۳۱:۱۷) و گروه‌هایی را که داوری می‌شوند، این گونه معرفی می‌کند:

- انسان‌ها: «لیکن به شما می‌گویم که هر سخن باطل که مردم گویند، حساب آن را در روز داوری خواهند داد» (انجیل متی ۱۲:۳۶؛ متی، ۲۵:۳۲).

- فرشتگان: «آیا نمی‌دانید که فرشتگان را داوری خواهیم کرد، تا چه رسد به امور روزگار؟» (رساله‌ی اول قرنتیان، ۳:۶ و نامه‌ی دوم پطرس، ۲:۴).

- حیوانات وحشی، پیامبران دروغین و سپاهیان: «دیدم که از دهان اژدها و از دهان وحش و از دهان نبی کاذب سه روح خبیث چون وزغ‌ها بیرون می‌آیند؛ زیرا که آنها ارواح دیوها هستند که معجزات ظاهر می‌سازند و بر پادشاهان تمام رُبع مسکون خروج می‌کنند تا ایشان را برای جنگ آن روز عظیم خدای قادر مطلق فراهم آورند. اینک چون دزد می‌آیم! خوشا به حال کسی که بیدار شده، رخت خود را نگاه دارد. مبادا عریان راه رود و رسوایی او را ببینند» (مکاشفه‌ی یوحنا، ۱۶:۱۵-۱۳ و همان، ۱۹:۱۵).

- شیطان و سپاهیان: «ابلیس که ایشان را گمراه می‌کند، به دریاچه‌ی آتش و کبریت انداخته شد، جایی که وحش و نبی کاذب هستند و ایشان تا ابد الابد شبانه روز عذاب خواهند کشید» (مکاشفه‌ی یوحنا، ۲۰:۱۰-۹).

درباره‌ی پرونده‌ی اعمال انسان‌ها این گونه بیان می‌شود: «مردم بر طبق چیزهایی که در دفترها نوشته شده است، داوری نخواهند شد و این دفترها دو گونه‌اند: در یکی از آنها اساس مؤمنان نوشته شده است که به آن دفتر زندگانی و دفتر حیات می‌گویند» (همان، ۵:۳؛ ۸:۱۳ و ۲۷:۲۱). دفترهای دیگری نیز هست که اعمال انسان در آن نوشته شده است:

«بر مردگان داوری شد به حسب اعمال ایشان، از آنچه در دفترها مکتوب است» (همان، ۱۲:۲۰).

۲-۲-۵) بهشت‌شناسی و جهنم‌شناسی

در عهد جدید به‌طور مکرر از دوزخ نام برده شد، ولی از بهشت و نعمت‌هایش کمتر سخن به‌میان آمده و از آن بیشتر با تعبیر حیات جاودان نام برده شده است: «هر که به‌خاطر اسم من، خانه‌ها یا برادران یا خواهران یا پدر یا مادر یا زن یا فرزندان یا زمین‌ها را ترک کرد، صد چندان خواهد یافت و وارث حیات جاودانی خواهد گشت» (متی، ۲۹:۱۹، لوقا، ۳۰:۱۸، یوحنا، ۱۴:۴ و یوحنا، ۶:۴۸). پاداش نیکوکاران را حیات ابدی اعلان می‌دارد: «اما عادلان در حیات جاودان (انجیل متی، ۴۶:۲۵) و به سه گونه عذاب اشاره می‌کند: آتش (مکاشفه‌ی یوحنا، ۱۰:۱۴ و ۸:۲۱)، خشم و غضب خدا (همان، ۱۴: ۹-۱۰) و محرومیت از رؤیت خدا (دوم تسالونیکیان، ۱: ۸-۹).

۲-۳) نبوت‌شناسی

عیسی مسیح محور کتاب مقدس عهد جدید است، بنابراین، هیچ آیه یا عبارتی نیست، مگر اینکه با مسیح‌شناسی عهد جدیدی تفسیر می‌شود: «مؤلفان عهد جدید فهم و برداشت خود را از وحی مبتنی بر عهد عتیق ساختند و وحی را به‌عنوان تجلی ذاتی خدا در عیسی و از طریق عیسی تلقی کردند. این تجلی را به‌عنوان خود آشکارسازی عالی، تغییرپذیر و بی‌همتای خدا در تاریخ می‌دانند (عبرانیان، باب اول). شرح و تفسیر کلامی برداشت حکمای عهد جدید از وحی را می‌توان در رساله‌ی پولس و یوحنا یافت.

برای بیان مفهوم وحی، پولس واژه‌ی (apokaluptein) را به‌کار می‌برد که به‌معنای پرده برداشتن، از نهان بیرون آمدن است و نیز واژه‌ی (phaneroun) را استعمال می‌کند که

به معنای ظاهر کردن و نشان دادن است، گزایه، لتون دوفور بحث اساسی او این است که از اسراری که پیش از آن بر افراد پوشیده بود و هم‌اکنون آشکار شده، پرده برمی‌دارد. من بنا بر مأموریتی که خدا به من سپرد، خادم کلیسا شدم تا کلام خدا را به کمال به شما بیان کنم: «یعنی آن راز را که طی اعصار و نسل‌های متمادی پنهان نگاه داشته شده بود، اما اکنون بر مقدّسان آشکار شده است» (کولسیان ۱: ۲۴-۲۵).

بنابراین، وحی به معنای پرده‌برداری یا کشف طرح و تدبیر الهی است که خداوند نژاد بشر را در عیسی مسیح، خود آشتی می‌دهد. وحی فعّالیت خلاق الهی و عمل نجات‌بخش اخروی خداوند است و نه حرف اعلان یک سلسله پیام‌ها یا یک سری از معارف. خداوند در جریان وحی واقعاً فعّال است و هم اوست که از ازل بر آن است تا از روی محبت، از طریق پسرش به نژاد بشر روی آورد. تجسّد و حلول فرزندش در رحم یک زن: «لیکن چون زمان به کمال رسید، خدا پسر خود را فرستاد که از زنی زاییده شد و زیر شریعت متولد شد» (غلاطیان، ۴: ۴) و مرگ فدیهدار این فرزند بر صلیب و رشد و تکامل و اتّحاد عالم هستی تحت اشراف او به عنوان رئیس و فرزند ارشد مردگان شد: «به فیض او مجّاناً عادل شمرده می‌شوند، به وساطت آن فدیهدار که در عیسی مسیح است که خدا او را از قبل معین کرد تا کفّاره باشد، به واسطه‌ی ایمان به وسیله‌ی خون او تا آنکه عدالت خود را ظاهر سازد، به سبب فرو گذاشتن خطایای سابق در حین تحمل خدا» (رومیان، ۳: ۲۴-۲۵ و کولسیان ۱: ۱۴-۱۹).

حواریون عیسی نیز پرده از عدالت نجات‌بخش خدا برمی‌دارند (مقصود این است که آنها نیز می‌توانند از وحی سخن گویند: «که در آن عدالت خدا مکشوف می‌شود، از ایمان تا ایمان، چنانکه مکتوب است که عادل به ایمان زیست خواهد نمود» (رومیان، ۱: ۱۷). در انجیل دو هدف برای آفرینش در ارسال عیسی ذکر شده است.

هدف اول: نشان دادن و تعریف خود: «که خدا اراده نمود تا بشناساند که چیست، دولت جلال این از در میان امت‌ها که آن مسیح در شما و امید جلال است» (کولسیان، ۲۷:۱).

هدف دوم: وسیله‌ی بخشیده شدن گناهان و کفّاره‌ی معاصی مسیحیان: «او ما را محبت نمود و پسر را فرستاد تا کفّاره‌ی گناهان ما شود» (رساله‌ی اول یوحنا، ۱۰:۴).

۳. مقایسه و نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی دو دیدگاه قرآن و عهد جدید افتراقات و اشتراکات زیر قابل ارائه می‌باشد.

الف) هر دو کتاب در این نکته اشتراک نظر دارند که تنها خدای واحد، معبود و قابل پرستش است، گرچه در تفسیر صفات ثبوتی و سلبی اختلاف نظر وجود دارد. در عهد جدید برای جهان یک خالق و آفریننده وجود دارد، گرچه پیروان آن اعتقاد به «تثلیث» در عین توحید دارند و این مطلب در کتاب عهد جدید نیامده است و این نکته‌ای که قرآن به عنوان محور گفتگو معرفی می‌نماید: «بگو ای اهل کتاب بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما مشترک است، که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را شریک او قرار ندهیم و بعضی از ما بعضی دیگر را غیر از خداوند یگانه به خدایی نپذیرند» (آل عمران / ۶۲).

به اعتقاد قرآن، خداوند نه کسی را زاییده و نه کسی از او زاده شده است. خدا نمی‌تواند پسری داشته باشد؛ زیرا اگر چنین باشد، کسی که زاییده‌ی اوست، باید خلف او باشد، در حالی که او جوهری مطلقاً بسیط، ثابت و جاویدان است.

مسلمانان یکتاپرستی ابراهیمی را در بالاترین حد محترم می‌شمارند، ولی مسیحیان خلاف تصریح کتاب مقدس برای خدا شریک گرفته و شرک ورزیده‌اند، هرچند در اصل و با عقیده‌ی کتاب مقدس خدای مسیح، همان خدای واحد، خالق کلّ و مدبّر عالم است، اما بحث در تصوّر است که سرانجام مسیحیان درباره‌ی خدا پیدا کردند.

اگرچه ما خداوند را که فراتر از همه چیز است، همچون سه واحد و همچون یک واحد می‌ستاییم، اما او نه سه واحد است و نه آن واحدی که در سلسله‌ی اعداد می‌شناسیم؛ زیرا یک بودن سه تا، مفهومی معمول و متداول نیست که بتوان آن را از طریق تمایزات عقلایی اجزاء آن بازشناخت. هیچ‌یک از این سه، زائیده‌ی دیگری نیست و هیچ‌گونه ارتباط واسطه‌ای میان آنچه از هر نظر یکسانند، ضروری نیست. این وحدتی نیست که در تثلیث جلوه می‌کند... و حتی تثلیث نیست که از وحدت ترکیب یافته باشد (دنیز ماسون، ۱۳۸۵، ج ۱: ۱۳۳).

ب) هر دو کتاب به معاد و مسایل پیرامون آن اعتقاد دارند و این بیانگر خاستگاه واحد آنان می‌باشد، اگرچه این مطالب در آن دو به یک شکل بیان نشده و تفاوت‌هایی دارند.

در عهد جدید درباره‌ی قبض روح ذکری نشده، هرچند اعتقاد بر آن است که برای مؤمنان ترسی از مرگ نیست؛ زیرا انسان مؤمن پس از مرگ به محضر مسیح می‌رسد و با خداوند زندگی می‌کند (رساله‌ی دوم قرنتیان، ۵: ۸، رساله‌ی فیلیپیان، ۱: ۲۳) و این اعتقاد آنان در واقع مشابه اعتقاد موجود در اسلام است که مطابق آن مؤمن از مرگ نمی‌هراسد؛ زیرا مرگ را نه پایان زندگی، بلکه آغازی برای بقا و جاودانگی می‌داند، ولی در قرآن از توفی و قبض روح به صورت مستوفی سخن به میان آمده است.

بدین ترتیب هر دو کتاب به حقیقت مرگ و مسائل پیرامون آن، نیز به بقای نفس اعتقاد دارند.

در هر دو کتاب به نوعی برزخ اشاره شده است. مسلمانان برای برزخ عمومیت قائل هستند، اما مسیحیان آن را مختص گناهکاران می‌دانند. ضمناً درباره‌ی ثواب و عقاب برزخی در عهد جدید مطلبی یافت نمی‌شود، در حالی که در قرآن آیات بر این مسأله تصریح دارند.

عهد جدید نیز مانند قرآن به معاد جسمانی اعتقاد دارد. در قرآن از علامات روز رستاخیز، تغییر در نظام طبیعت می‌باشد که تاحدودی با مسائل مربوط در عهد جدید همخوانی دارد. عهد جدید نیز نفخ صور را با نام «شیپور» به کار می‌برد. معتقد است که دو بار در صور دمیده خواهد شد که نفخ اول که به هنگام رجعت مسیح خواهد بود، با اعتقاد مسلمانان متفاوت است، اما نفخ دوم که باعث زنده شدن مردگان می‌شود، در هر دو آیین به یک شکل بیان شده است.

در عهد جدید از قیامت با نام روز داوری یاد می‌شود، ولی در قرآن برای این روز نام‌های متعددی ذکر گردیده که هر یک به یکی از ابعاد قیامت اشاره می‌کند و هدف خاصی را دنبال می‌کند (یوم‌الجمع (تغابن / ۹)، یوم‌التغابن (همان / ۹)، یوم‌الورود (ق / ۴۲)، یوم‌الوعید (همان / ۲۰) و ...).

آنچه که به عنوان تفاوت اساسی در موضوع معاد میان کتاب عهد جدید و قرآن می‌توان ذکر کرد، این است که مبحث معاد در قرآن بلافاصله پس از توحید مطرح می‌گردد و آیات زیادی را نیز به خود اختصاص می‌دهد، بنابراین از جامعیت خاص برخوردار است.

ج) وحی در عهد جدید به معنای پیام خدا و پیام‌رسانی عیسی نیست، بلکه به معنای تجلی و حلول ذات اقدس الهی در عیسی و نزول برای انسان‌هاست.

در وحی عیسی، خود خدا در جسد عیسی به سوی مردم نازل شد و کلام خدا، یعنی تجلی در عیسی و ظهور برای مردم. مسیح با معجزات و کارهای خارق‌العاده از وجود خدا خبر می‌دهد و او را آشکار می‌سازد و در یک کلام، مسیح وحی خدای متجسد است. فعل و کلام او فعل و کلام خداست، نه اینکه حامل رسالت باشد (امینی، ۱۳۷۷: ۱۷۱). برخلاف قرآن که وحی را بر رسولان الهی حجّت ابلاغ رسالت می‌داند.

د) مسیح، آدمی را ارج می‌نهد و متوجه آسمان‌ها و معنویت می‌کند. قرآن هم آدمی را در سعادت زمینی و هم در سعادت اخروی یاری می‌رساند، هرچند هدف اصلی حرکت به سوی کمال است تا به قرب نائل شود. بنابراین، «قرآن احکام رسالت‌های پیشین را گواه می‌گیرد و آنها را به راحتی بر ما می‌خواند» (صدر، ۱۳۸۴: ۱۴۲-۱۴۳).

منابع و مآخذ

- انجیل لوقا چه می‌گوید؟. (۱۳۶۴). تهران: کانون یوحنا رسول.
- انجیل مرقس چه می‌گوید؟. (بی تا). تهران: کانون یوحنا رسول.
- قرآن کریم (ترجمه‌ی محمد مهدی فولادوند).
- کتاب عهد جدید. (۱۳۷۸). ترجمه‌ی پیروز سیّار. چاپ دوم. تهران: نشر نی.
- نهج البلاغه. (۱۳۷۰). ترجمه‌ی محمد دشتی. چاپ اول. قم: نشر شاکر.
- آشتیانی، جلال‌الدین. (۱۳۷۸). تحقیق در دین مسیح. تهران: نشر نگارش.
- الیاده، میرچا. دایرةالمعارف دین. انتشارات: Thomson و Gale.
- امینی، ابراهیم. (۱۳۷۷). وحی در ادیان آسمانی. قم: مرکز انتشارات و تبلیغات اسلامی حوزه‌ی علمیه‌ی قم.
- باهنر، محمدجواد. (۱۳۶۱). دین‌شناسی تطبیقی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

- حقی، اسماعیل. (۱۹۶۵ق.). *تفسیر روح البیان*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۰۴ق.). *المفردات*. چاپ دوم. دفتر نشر الکتاب.
- شجاعی زند، علیرضا. (۱۳۷۶). *مشروعیت دینی دولت و اقتدار سیاسی دین: بررسی جامعه‌شناختی مناسبات دین و دولت در ایران اسلامی*. تهران: تبیان.
- صدر، موسی. (۱۳۸۴). *ادیان در خدمت انسان: جستارهایی درباره‌ی دین و مسائل جهان معاصر*. به اهتمام و ترجمه‌ی مؤسسه‌ی فرهنگی. چاپ اول. تهران: تحقیقاتی امام موسی صدر.
- صدوق، محمدعلی. بی تا. *التوحید*. قم: مؤسسه‌ی نشر اسلامی.
- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۵۴). *خلاصه‌ی تعالیم اسلام*. قم: دار التبلیغ اسلامی.
- _____ . (۱۳۷۴). *تفسیر المیزان*. قم: نشر جامعه‌ی مدرسین.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. چاپ سوم. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- عروسی الحویزی، عبد علی بن جمعه. (۱۴۱۲ق.). *تفسیر نور الثقلین*. چاپ چهارم. قم: مؤسسه‌ی اسماعیلیان.
- قمی، شیخ عباس. (۱۳۸۵). *منتهی الآمال*. چاپ دوم. قم: نشر نسیم حیات.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق.). *بحار الأنوار*. چاپ سوم. بیروت: دار احیاء التراث.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۶). *وحی و نبوت*. چاپ دهم. تهران: انتشارات صدرا.

— مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۷). تفسیر نمونه. چاپ اول. تهران: دارالکتب
الإسلامیة.

— هاکس، جیمز. (۱۳۷۷). قاموس کتاب مقدس. چاپ اول. تهران: انتشارات
اساطیر.